پنجشنبه ۶ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

واشنگتن چه خوابی برای اسلام‌آباد دیده است؟

بحران موشکی پاکستان و آمریکا

میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر مسائل بین‌الملل

حدود یک دهه پیش بود که دانیل اس مارکی، پژوهشگر ارشد دانشگاه هاپکینگز در کتابی با نام «خروج از پاکستان ممنوع» از واژه «زجرآور» برای توصیف روابط پاکستان و ایالات متحده استفاده کرد. او مدتی بعد و در گزارشی که برای اندیشکده روابط خارجی آمریکا به نگارش در آورد یکبار دیگر به معضلات روابط واشنگتن و اسلام‌آباد اشاره کرد و به سیاستمداران مستقر در کاخ سفید هشدار داد که هر استراتژی ایالات‌متحده در آسیا که بخواهد نقش پاکستان را نادیده بگیرد، محکوم به شکست خواهد بود. در عین حال او نگاه به پاکستان صرفاً از عینک افغانستان را سیاستی کوتاه‌بینانه عنوان کرد. اکنون با وجود آن که از توصیف‌ها و توصیه‌های دانیل اس مارکی در رابطه با روابط واشنگتن و اسلام‌آباد سال‌ها می‌گذرد، به نظر می‌رسد که روابط پاکستان و آمریکا همچنان بر همان مدار زجرآور پیشین در حال حرکت است و هیچ گونه تغییر، آرامش و یا ثباتی را به خود ندیده است. دقیقاً بر همین اساس است که در روزهای اخیر شاهد دور جدیدی از تنش‌ها در روابط دو کشور هستیم؛ البته این بار آن قدر حساس که شبکه العربیه اصطلاح تحولی شگفت‌انگیز در روابط دوطرف را برایش بر می‌گزیند.

تنش موشکی اخیر پاکستان و ایالات‌متحده چگونه آغاز شد؟

نخستین جرقه تنش موشکی پاکستان و ایالات متحده در روز چهارشنبه هفته گذشته روشن شد، در جایی که وزارت امور خارجه آمریکا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد چهار شرکت پاکستانی به شمول یک شرکت مهم دولتی این کشور را به دلیل مشارکت در تولید موشک‌های بالستیک با برد فراتر از جنوب آسیا، مشمول تحریم فرمان اجرایی (EO)۱۳۳۸۲ بخش ۱ قرار داده است. این فرمان اجرایی به موضوع سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل اشاعه آن‌ها ارتباط پیدا می‌کند و بیانیه وزارت خارجه آمریکا هم تأکید دارد که نهادهایی که به‌نحوی گسترش سلاح‌های کشتار جمعی یا وسایل آن‌ها (از جمله موشک‌هایی که قادر به حمل چنین سلاح‌هایی هستند) کمک کرده یا خطر مشارکت مادی در آن را ایجاد می‌کنند، مشمول تحریم خواهند شد. موشک‌های بالستیک دوربرد پاکستان نیز بدان علت مشمول این قانون می‌شوند که به ادعای ایالات‌متحده قادر به حمل کلاهک‌های هسته‌ای هستند. بنابراین هرگونه تلاش پاکستان برای تولید، حمل‌ونقل، انتقال یا استفاده از چنین اقلامی شامل این تحریم خواهد شد. تحریم مورد نظر همه اموال متعلق به این نهادها در ایالات متحده را مسدود می‌کند و آمریکایی‌ها را از تجارت با این نهادها و شرکت‌ها منع می‌کند. علاوه بر این شرکت‌های طرف ثالثی که با نهادهای تحت تحریم ارتباط داشته باشند، نیز مشمول این قانون خواهند بود.

بر اساس بیانیه وزارت خارجه آمریکا، ۴ نهاد یا شرکت زیر مشمول تحریم‌های جدید خواهند بود

۱. نهاد دولتی مجتمع توسعه ملی پاکستان(NDC) مستقر در اسلام‌آباد. این مجتمع که در واقع نهاد مرتبط با برنامه‌های هوا و فضای پاکستان به شمار می‌آید، به تلاش برای پیشبرد برنامه موشک‌های بالستیک دوربرد پاکستان، از جمله تهیه شاسی‌های خودروهای ویژه که به عنوان تجهیزات پشتیبانی پرتاب و یا تجهیزات آزمایش موشک‌های بالستیک استفاده می‌شود، متهم شده است. در عین حال در بیانیه وزرات خارجه آمریکا ذکر شده است که «ارزیابی‌ها نشان می‌دهد NDC مسئول اصلی توسعه موشک‌های بالستیک و به‌طور خاص موشک‌های بالستیک سری «شاهین» است.»

۲. شرکت خصوصی اختر و پسران مستقر در شهر کراچی پاکستان. این شرکت وظیفه تأمین طیف وسیعی از تجهیزات برای NDC را بر عهده داشته است، تجهیزاتی که برای برنامه موشک‌های دور برد کارکرد داشته‌اند.

۳. شرکت وابستگان بین‌المللی مستقر در شهر کراچی پاکستان. این شرکت در تسهیل خرید اقلام قابل استفاده برای NDC و دیگران، در راستای حمایت از برنامه موشکی بالستیک مشارکت داشته است.

۴. شرکت راکساید اینترپرایز مستقر در شهر کراچی پاکستان. همکاری با NDC در جهت تأمین طیف وسیعی از تجهیزات برای پیشبرد برنامه موشک‌های بالستیک پاکستان.

در نهایت در بیانیه وزارت خارجه آمریکا تأکید شده است که ایالات‌متحده به اقدامات خود علیه اشاعه تسلیحات هسته‌ای و فعالیت‌های تدارکاتی مرتبط با آن ادامه خواهد داد. این تصمیم با توجه به تداوم تهدید گسترش موشک‌های دوربرد پاکستان گرفته شده است.

اما علاوه بر بیانیه وزارت خارجه آمریکا در مورد برنامه موشک‌های بالستیک پاکستان، اظهارات جان فاینر، معاون مشاور امنیت ملی کاخ سفید در مؤسسه کارنگی نیز بر شدت توجه به این موضوع و همچنین التهابات و حواشی پیرامون آن افزود. فاینر در اظهارنظری بی‌سابقه اقدامات موشکی پاکستان را تهدیدی مستقیم برای ایالات متحده دانست: «صادقانه بگویم، برای ما دشوار است که اقدامات پاکستان را چیزی غیر از یک تهدید نوظهور علیه آمریکا در نظر بگیریم.» معاون مشاور امنیت ملی کاخ سفید مراتب نگرانی کشورش را بدین‌گونه تشریح می‌کند: «پاکستان در حال توسعه قابلیت‌های موشک‌های دوربردی است که به این کشور امکان می‌دهد اهدافی در خارج از جنوب آسیا از جمله آمریکا را هدف قرار دهد. اهداف برنامه موشک‌های بالستیک این کشور آسیایی سؤالات واقعی برای دولت آمریکا ایجاد کرده است.» فاینر به این نکته هم اشاره می‌کند که تنها گروه کوچکی از کشورها شامل کره شمالی، چین و روسیه دارای قابلیت موشکی هستند که می‌تواند مستقیماً به ایالات متحده دسترسی پیدا کند. در واقع او با این حرف یادآوری می‌کند که پاکستان بدون هر گونه توجیه قابل قبولی، در مسیر دشمنان آمریکا گام برداشته و تهدیدی نوظهور را برای این کشور ایجاد کرده است.

پیشینه تاریخی تنش‌های موشکی پاکستان و ایالات‌متحده

روابط پاکستان و ایالات متحده همواره بر سر برنامه تسلیحات اتمی پاکستان دچار تنش بوده است. دست‌یابی پاکستان به تسلیحات اتمی و عدم عضویت این کشور در NPT (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) باعث شده تا بسته به شرایط سیاسی و نیاز ایالات‌متحده برای همکاری با این کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی، فشارهایی بر اسلام‌آباد در این زمینه وارد شود. به‌طور مثال در یکی از آخرین موارد کاخ سفید در آذرماه سال ۱۴۰۱ تصمیم گرفت تا ۱۰ شرکت پاکستانی و اماراتی را به دلیل آنچه ارتباط این شرکت‌ها با فعالیت‌های هسته‌ای غیرایمن خواند، در لیست سیاه و تحت تحریم قرار دهد. در جریان همین تحریم‌ها به فعالیت‌های مرتبط با اشاعه موشکی در پاکستان هم اشاره شده بود اما دور جدید تحریم‌ها که مستقیماً به فعالیت‌های موشکی پاکستان مرتبط دانسته می‌شود از سال ۱۴۰۲ و با اعلام قرار گرفتن سه شرکت مستقر در چین در لیست سیاه تحریم‌های آمریکا، برقرار شده است. در آن هنگام واشنگتن به‌صراحت این شرکت‌ها را به تأمین اقلام قابل استفاده برای موشک‌های پاکستان متهم کرد.

موج دوم تحریم‌های موشکی ایالات‌متحده در اوایل سپتامبر سال جاری (شهریورماه) اعلام شد؛ در جایی که وزارت امور خارجه آمریکا از تصمیم این کشور برای قرار دادن یک مؤسسه تحقیقاتی چین و چندین شرکت دیگر در لیست تحریم‌های آمریکا به دلیل همکاری آن‌ها با نهاد NDC در پاکستان خبر داد. در آن هنگام میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد مؤسسه تحقیقاتی اتوماسیون صنعت ماشین‌سازی پکن در ارسال تجهیزات برای آزمایش موتورهای موشک در سیستم‌های موشکی مانند شاهین ۳ و ابابیل، با پاکستان همکاری داشته است.

در نهایت تحریم‌های کنونی را باید موج سوم تحریم‌های جدید موشکی پاکستان عنوان کنیم؛ تحریم‌هایی که البته با دو موج قبلی تفاوت‌های اساسی دارد. در وهله اول این موردی بسیار حائز اهمیت است که واشنگتن برای اولین بار یک نهاد دولتی پاکستان را در لیست تحریم‌های این کشور قرار می‌دهد. نهاد NDC یا همان مجتمع توسعه ملی پاکستان نقشی کلیدی در طرح‌های هوا و فضای این کشور دارد و قرار گرفتن آن در لیست سیاه تبعات سنگینی برای برنامه‌های موشکی اسلام‌آباد خواهد داشت. اما دومین وجه و شاید مهم‌ترین وجه موج جدید تحریم‌های موشکی ایالات‌متحده علیه پاکستان آن است که برای اولین بار از پاکستان به‌عنوان یک تهدید مستقیم علیه ایالات‌متحده یاد شده است. بر همین اساس سلمان علی، محقق پاکستانی از دانشکده سیاست دانشگاه قاند اعظم پاکستان بر این باور است که موج اخیر تحریم‌ها می‌تواند تغییری مشخص را در اقدامات نظارتی معمولی که از زمان هسته‌ای شدن پاکستان تا کنون رایج بوده است، نشان دهد.

واکنش‌ها در پاکستان به تحریم موشکی آمریکا

اولین واکنش‌ها نسبت به تحریم نهادهای دولتی و خصوصی مرتبط با برنامه موشکی از جانب وزارت خارجه پاکستان انجام گرفت. در این راستا دستگاه دیپلماسی پاکستان در بیانیه‌ای تقریباً مفصل، به ابعاد مختلف این تحریم‌ها و پیامدهای آن بر منطقه و روابط دو جانبه می‌پردازد. در یک جمع‌بندی کلی عکس‌العمل وزارت خارجه پاکستان را می‌توان بر حول سه محور متمرکز دانست؛

۱. تأکید بر استانداردهای دوگانه و شیوه‌های تبعیض‌آمیز ایالات‌متحده؛ وزارت خارجه پاکستان این اقدام ایالات‌متحده را مغرضانه و با استانداردهای دوگانه توصیف می‌کند و تحریم‌های اخیر را در جهت افزایش عدم تعادل نظامی در منطقه [موازنه قدرت پاکستان و هند] ارزیابی می‌کند. از منظر اسلام‌آباد اعمال چنین سیاست‌هایی از جانب ایالات‌متحده نه‌تنها اعتبار رژیم منع اشاعه را تضعیف می‌کند، بلکه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز به خطر می‌اندازد.

۲. پیامدهای این موضوع بر روابط دوجانبه پاکستان و ایالات‌متحده؛ دولت اسلام‌آباد قرار دادن پاکستان در کنار دشمنان آمریکا و تصور تهدید موشکی این کشور علیه ایالات‌متحده را باعث تأسف می‌داند. این کشور هرگز و به هیچ شکل و شیوه‌ای سوءنیت به آمریکا نداشته و در حال حاضر هم تغییری در این واقعیت اساسی به وجود نیامده است. از نظر اسلام‌آباد این ادعاها علیه یک متحد غیرعضو ناتو، به هیچ وجه برای روابط دو کشور مفید نخواهد بود، آن هم در شرایطی که پاکستان به دلیل سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا متحمل رنجی فراوان شده و فداکاری‌های عظیمی را در راه روابط دو جانبه انجام داده است.

۳. قاطعیت پاکستان در بهره‌گیری از ظرفیت‌های استراتژیک؛ اسلام‌آباد نمی‌تواند از حق خود برای توسعه قابلیت‌های متناسب با نیاز به حفظ حداقل بازدارندگی مؤثر و همچنین تهدیدهای در حال تحول و پویا، چشم‌پوشی کند. برنامه استراتژیک و دفاعی پاکستان امانت مقدسی است که توسط ۲۴۰ میلیون نفر از مردم این کشور به رهبری آن اعطا شده و این اعتماد که در تمام طیف‌های سیاسی مورد احترام است، قابل خدشه نیست.

وزارت دفاع پاکستان یکی دیگر از نهادهای دولتی بود که نسبت به تحریم موشکی اخیر از جانب آمریکا واکنش نشان داد. خواجه محمد آصف، وزیر دفاع این کشور با دفاع صریح از برنامه موشکی پاکستان، تأکید دارد که در این مورد جای هیچ‌گونه تأمل نیست و هرگونه مصالحه و سازش به مثابه دشمنی با کشور خواهد بود. وی این توانمندی پاکستان را صرفاً در راستای دفاع از خود و بدون نیت تهاجم به هر کشور دیگری ارزیابی می‌کند. اما نکته بسیار مهمی هم در اظهارات وزیر دفاع پاکستان وجود داشت که به نوعی برخی مواضع در لفافه بیانیه وزارت خارجه را رمزگشایی می‌کرد. در بیانیه وزارت خارجه پاکستان تأکید شده بود پاکستان برای حفظ حداقل بازدارندگی مؤثر و مواجهه با تهدیدهای در حال تحول و پویا، نمی‌تواند از توسعه قابلیت‌های متناسب با نیاز خود صرف نظر کند. در شرایطی که در بیانیه وزارت خارجه توضیحی در مورد تهدیدهای در حال تحول و پویا ارائه نشده بود؛ وزیر دفاع پاکستان صراحتاً به این مسئله می‌پردازد: «تحولات جهانی و به ویژه وضعیت خاورمیانه، ناشی از تجاوزات کورکورانه رژیم اسرائیل علیه ایران، سوریه، فلسطین و لبنان ایجاب می‌کند که پاکستان توانمندی‌های دفاعی خود را مطابق با این دگرگونی‌ها به‌روزرسانی کند.» اما تحریم‌های موشکی پاکستان واکنش شخصیت‌ها، صاحب‌نظران و احزاب سیاسی پاکستان را نیز به همراه داشت. در این راستا ملیحه لودهی، سفیر سابق پاکستان در سازمان ملل همسو با بیانیه وزارت خارجه، استاندارد دوگانه آشکار ایالات متحده در عدم تحریم برنامه موشکی هند که بسیار پیشرفته‌تر می‌باشد را به نقد می‌کشد. به نظر می‌رسد «لودهی» این تحریم‌ها را با تغییر موقعیت پاکستان در منطقه مرتبط می‌داند؛ چراکه از زمان خروج ایالات متحده از افغانستان، این کشور دیگر در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار نداشته است. درنهایت سفیر سابق پاکستان در سازمان ملل مسئله تحریم‌های ایالات متحده علیه پاکستان را موضوع جدیدی نمی‌داند و تأکید می‌کند هیچ پاکستانی از رفتار تبعیض‌آمیز ایالات متحده حمایت نخواهد کرد. مواضع حزب مخالف «تحریک انصاف» در محکومیت شدید این اقدام آمریکایی‌ها این نظر را تأیید می‌کند. بر همین اساس ذوالفقار بخاری، سخنگوی عمران خان، در شبکه اجتماعی ایکس به انتقاد از تصمیم دولت بایدن می‌پردازد و می‌نویسد: «ما به شدت با تحریم‌های آمریکا علیه مجتمع توسعه ملی و ۳ نهاد تجاری دیگر مخالفیم.»

دلایل و انگیزه‌های ایالات متحده برای تحریم موشکی پاکستان

همان طور که سیاستمداران و صاحب‌نظران سیاسی در پاکستان عنوان کرده‌اند، تحریم‌های ایالات متحده علیه پاکستان موضوع جدیدی نیست و از زمان اعلام دستیابی پاکستان به توانایی‌ها و فناوری‌های هسته‌ای در جریان بوده است. اما اینکه برای اولین بار یک نهاد دولتی و مهم پاکستان مشمول تحریم‌ها قرار گرفته و از تهدید مستقیم پاکستان علیه ایالات متحده سخن گفته می‌شود، نشان می‌دهد که تحولی جدی در حال وقوع است و به قول سلمان علی، محقق پاکستانی باید وقوع «تغییراتی مشخص» در رفتار نظارتی آمریکایی‌ها بر پاکستان را انتظار داشت.

اکنون سؤال مهم این است که چه عوامل و انگیزه‌هایی در پس این تغییر رفتار آمریکا با پاکستان و اعمال تحریم‌های جدید علیه این کشور وجود دارد؟

الف) ارتقای روابط و همکاری‌های اسلام آباد و پکن در شرایط افزایش تقابل چین و آمریکا

به باور اغلب تحلیلگران سیاسی در خارج و داخل از پاکستان، افزایش تعاملات میان پاکستان و چین در وقوع این رخداد نقش تعیین‌کننده داشته است. بنیاد تحقیقاتی آبزرور (ODF) در یادداشتی که اخیراً به همین منظور منتشر کرده بر این نکته تأکید دارد که اسلام‌آباد در طی سال‌های گذشته تلاش‌های ایالات متحده برای یکپارچه‌سازی منطقه را با روابط هرچه نزدیک‌تر با چین، به ناکامی کشانده است. این در شرایطی اتفاق می‌افتد که برنامه هسته‌ای پاکستان با سرپیچی بی‌امان از رژیم‌های محدودکننده بین‌المللی برپا شده است. شبکه تلویزیونی NDTV هند نیز با اشاره به خودداری پاکستان از عضویت در پیمان منع تکثیر تسلیحات هسته‌ای، به این نکته می‌پردازد که از نظر ژئوپلیتیکی همکاری میان پاکستان و چین شاید عادی به نظر برسد، اما ویژگی وضعیت کنونی در این واقعیت نهفته است که پاکستان با توجه به عضویت در پیمان‌های «سیتو» و «سنتو» و همچنین با تعیین شدن به عنوان «متحد اصلی غیر عضو ناتو» توسط دولت بوش، متحدی راهبردی برای ایالات متحده محسوب می‌شود. این شبکه تلویزیونی هند تأکید می‌کند این پیشینه روابط دیرینه و بی‌توجهی آشکار اسلام‌آباد به نگرانی‌های ایالات متحده زمینه ابراز ناامیدی معاون مشاور امنیت ملی کاخ سفید را فراهم کرده است: «ما در زمان‌های سختی از اسلام‌آباد حمایت کرده‌ایم و همچنان خواهان یک رابطه همکاری در زمینه‌های مورد علاقه مشترکیم. این باعث می‌شود که ما حتی بیشتر بپرسیم که چرا پاکستان انگیزه ایجاد قابلیتی را دارد که می‌تواند علیه ما مورد استفاده قرار گیرد.»

اما در داخل پاکستان هم در مورد ارتباط این تحریم‌ها با روابط پاکستان و چین، تقریباً اتفاق نظر وجود دارد. سلمان علی، محقق پاکستانی از دانشگاه قائد اعظم اسلام‌آباد به این موضوع می‌پردازد که تمرکز تحریم‌های گذشته نیز بر مبادلات فنی بین چین و پاکستان بوده است. چنین تحریم‌هایی نه تنها برای جلوگیری از پیشرفت سریع برنامه‌های موشکی و پهپادی پاکستان انجام می‌شود، بلکه به عنوان راهبردی برای فشار بر چین نیز در نظر گرفته می‌شود. طلعت مسعود، ژنرال بازنشسته ارتش پاکستان هم بر این باور است که اتکای پاکستان به چین در زمینه تخصص و تکنولوژی مورد نیاز برای پیشبرد برنامه‌های هوا و فضای پاکستان و نادیده گرفتن ایالات متحده در روند تحولات کنونی نقش مهمی داشته است.

ب) تحولات و تغییرات در شرایط منطقه خاورمیانه و آسیا

در شرایطی که برقراری پیوند میان تحولات کنونی در خاورمیانه و به ویژه در سوریه با تحولات اخیر پاکستان ممکن است امری دشوار و یا حتی دور از ذهن به نظر برسد، بیانیه وزارت خارجه پاکستان و از آن مهم‌تر اظهارات وزیر دفاع پاکستان را می‌توان مصادیقی بر ارتباط میان این دو موضوع قرار داد. ایالات متحده در برنامه تحریمی موشکی پاکستان به صراحت اعلام کرده است که پاکستان نیازی به موشک‌های با برد فراتر از جنوب آسیا ندارد. اگرچه ایالات متحده سمت‌وسوی ارتقای برنامه موشکی پاکستان را به سوی خودش متوجه ساخته و آن را در راستای تهدید مستقیم ایالات متحده ارزیابی کرده، اما این احتمال وجود دارد که نگرانی اصلی واشنگتن از بابت برهم خوردن تقارن نظامی منطقه به زیان رژیم‌صهیونیستی باشد: «ایالات متحده نمی‌تواند و نمی‌نشیند تا توسعه این توانایی‌ها را که ما معتقدیم می‌تواند در نهایت تهدیدی باشد، تماشا کند... ما مصممیم که امنیت خودمان و متحدانمان را تضمین کنیم.» (فاینر) این دقیقاً همان موردی است که هم در بیانیه وزارت خارجه پاکستان و هم در اظهارات خواجه محمد آصف، وزیر دفاع این کشور مورد توجه قرار گرفته است. سخنان صریح خواجه محمد آصف نشان می‌دهد پاکستان از تحولات خاورمیانه و اقدامات رژیم‌صهیونیستی درس‌های لازم را فراگرفته و با ارتقای توان نظامی و موشکی خود، به تقابلات احتمالی با این رژیم در آینده می‌اندیشد.

ج) تأثیرگذاری بر روند تحولات داخلی پاکستان

دولت پاکستان شایسته تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک است زیرا به شدت از نیروهای نظامی علیه اعتراضات مسالمت‌آمیز استفاده کرده و حتی معترضان را به قتل رساند. اسلام‌آباد همچنین از نزاع حقوقی و سوءاستفاده از سیستم قضایی در راه اهداف سیاسی و نگه‌داشتن عمران خان در زندان استفاده می‌کند. این پیام عجیبی است که زلمی خلیل‌زاد، نماینده سابق آمریکا در افغانستان و یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های سیاست خارجی آمریکا در جنوب آسیا در سال‌های اخیر، در واکنش به تحریم موشکی پاکستان منتشر ساخته است. پیام خلیل‌زاد می‌تواند ما را به سوی این نتیجه‌گیری سوق دهد که ایالات متحده از دولت فعلی پاکستان و روندهای در پیش گرفته شده از جانب آن، به‌هیچ‌وجه رضایت ندارد و چه بسا به دنبال ایجاد تحولات سیاسی در این کشور است. بیانیه‌های متعدد کنگره آمریکا و ابراز نگرانی نمایندگان آمریکا از وضعیت دموکراسی در پاکستان، به ویژه از جانب جمهوری‌خواهانی که اساساً اعتقاد و باوری به این موضوع ندارند، واقعاً سؤال‌برانگیز است. ابراز نگرانی‌های عمیق آمریکایی‌ها از وضعیت عمران خان، نخست وزیر سابق هم جای تأمل دارد، آن هم در شرایطی که عمران خان همواره بر نقش کاخ سفید در سرنگونی دولت او تأکید داشته است.

اما اینکه چرا واشنگتن می‌تواند به تغییر سیاسی در پاکستان فکر کند، به مسائل متعددی ارتباط پیدا می‌کند که رابطه بسیار نزدیک دولت کنونی پاکستان با چین، به طور قطع یکی از مهم‌ترین آن‌ها است. خانواده شریف و به خصوص شخص شهباز شریف، نخست وزیر کنونی پاکستان از دیرباز رابطه بسیار نزدیکی با چین داشته‌اند و از زمانی که یکبار دیگر قدرت را در اختیار گرفته‌اند، این روند را تقویت و تشدید کرده‌اند. ارتش پاکستان نیز با ناامیدی و سرخوردگی از روابط فزاینده واشنگتن و دهلی‌نو، به گسترش همکاری‌های فنی و راهبردی با چین روی آورده است. طبیعی است که چنین اقداماتی خوشایند کاخ سفید نخواهد بود. در عین حال وخامت اوضاع سیاسی در پاکستان و نگرانی آمریکا از بی‌ثباتی و ناامنی گسترده و یا احتمال وقوع حوادثی مشابه با سوریه در این کشور دارای سلاح اتمی، شاید انگیزه و محرک مهم دیگری باشد که ایالات متحده را به سوی تقابل با دولت و یا اعمال محدودیت‌ها بر اسلام‌آباد سوق می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های موشکی آمریکا علیه پاکستان را می‌توان به نقطه‌عطفی در چشم‌انداز آینده روابط دو کشور در نظر گرفت. تردیدی نیست که این تحریم‌ها باعث ایجاد تحول و یا تغییری عمیق در برنامه موشکی پاکستان نخواهد شد. همان طور که سلیمان جاوید، تحلیلگر برجسته پاکستانی در مصاحبه با صدای آمریکا می‌گوید برنامه موشکی پاکستان در مرحله‌ای از پیشرفت قرار گرفته که محدودیت‌های جدید ایالات متحده هیچ تأثیری بر آن نخواهد داشت. اما آنچه که در نهایت از این تحریم‌های موشکی حاصل خواهد شد، تشدید واگرایی میان پاکستان و ایالات متحده خواهد بود. این روند واگرایی از مدت‌ها پیش و از زمان شروع روابط ویژه میان واشنگتن و دهلی نو آغاز و با خروج نیروهای آمریکایی از منطقه و کم شدن توجه کاخ سفید به پاکستان وارد مرحله حساس خود شد و اکنون با تحریم‌های موشکی در نقطه اوج خود قرار دارد. از سوی دیگر دولتمردان پاکستانی اکنون در میانه دوراهی چین و ایالات متحده سرگردانند و هنوز تکلیفشان را با خودشان روشن نکرده‌اند. چینی‌ها نیز به رغم افزایش بی‌ثباتی و حملات گسترده به منافعشان در پاکستان، مثل همیشه رویکرد صبر و بردباری را در پیش گرفته‌اند. اما باید دید واکنش آن‌ها در برابر بی‌تابی اخیر واشنگتن و اعمال فشار بیشتر بر شرکت‌های چینی و نهادهای دولتی پاکستان چه خواهد بود.

سرانجام اینکه به نظر می‌رسد دوران بند بازی پاکستان به سر آمده و در نهایت این کشور باید در مورد این رابطه زجرآور چنددهه‌ای با ایالات متحده، تصمیمی اساسی اتخاذ کند. حالا باید منتظر بود و دید که این نمایش به پرده آخر رسیده و یا اینکه کارگردان‌ها برای تداوم آن، در جست‌وجوی سناریوهای جدیدی همچون تغییر حکومت در پاکستان هستند.

پاکستان با حمله مرگبار به ایالت پکتیکا افغانستان به دنبال چه بود؟

طالبان و طالبان‌تر

تحولات هفته اخیر در روابط میان پاکستان و طالبان احتمالاً باعث سردرگمی ناظران سیاسی شده است. اینکه در ابتدای امر شاهد سفر غافلگیرکننده «محمد صادق خان»، نماینده ویژه جدید پاکستان در امور افغانستان به کابل بودیم؛ سفری که با استقبال چشمگیر طالبان مواجه شد و بسیاری آن را نشانه عزم اسلام‌آباد برای تنش‌زدایی با محیط منطقه‌ای و ذوب شدن یخ‌ها در مناسبات دو کشور تلقی کردند. البته از زمان انتخاب محمد صادق خان به نمایندگی ویژه و با توجه به سابقه مثبت ارتباطی او با طالبان در دوران حضورش در دولت عمران خان، انتظار آن وجود داشت که از تنش‌ها کاسته و تحولات مثبتی در روابط اسلام‌آباد و کابل رخ دهد.

اما مقارن با این سفر غافلگیرکننده، یک واقعه غافلگیرکننده دیگر هم در روابط دو کشور رخ داد؛ حمله گسترده و مهلک نیروی هوایی پاکستان به عمق خاک افغانستان که با تلفات چشمگیری نیز مواجه شد. این حمله در بخشی از ولایت (استان) پکتیکا انجام گرفت که ظاهراً محل تجمع و استقرار اعضای تی‌تی‌پی (تحریک طالبان پاکستان) در داخل افغانستان بوده است.

اما اینکه در پس پرده این دو رخداد به ظاهر متناقض، یعنی حضور نماینده ویژه پاکستان در کابل و حمله هوایی پاکستان به عمق خاک افغانستان چه تحلیل و تفسیری وجود دارد، سؤال مهمی است که ذهن بسیاری را به خود مشغول ساخته است. هرچند در این زمینه گمانه‌زنی‌های مختلفی قابل طرح است، اما در این بین شاید بتوان دو احتمال را بیش از همه در نظر گرفت.

در وهله نخست این اقدام پاکستان ممکن است بر اساس یک فرصت‌طلبی و استفاده از بی‌احتیاطی و غفلت عناصر تحریک طالبان پاکستان انجام گرفته باشد. آن گونه که منابع طالبان اعلام کرده‌اند، آمار تلفات این حمله بسیار بالا بوده و نزدیک به ۵۰ نفر کشته برجای گذاشته است. دقیقاً نمی‌توان معلوم کرد که چه تعداد از این افراد اعضای تی‌تی‌پی و یا غیرنظامیان بوده‌اند؛ اما برخی منابع از حضور حداقل ۵ فرمانده تی‌تی‌پی در میان کشته‌شدگان سخن گفته‌اند. با توجه به اینکه «آصف درانی»، نماینده ویژه سابق پاکستان در افغانستان در آخرین مصاحبه خود تعداد فرماندهان و رهبران برجسته تی‌تی‌پی در افغانستان را حدود ۱۲ نفر برآورد کرده بود، اگر آمار تلفات درست باشد، ضربه مهلکی به تحریک طالبان پاکستان وارد شده است. این موضوع شاید به آن دلیل باشد که با توجه به حضور نماینده ویژه پاکستان در افغانستان، تی‌تی‌پی اقدام به برگزاری نشست مهمی کرده است و از سوی دیگر گمان هم نمی‌کرده که در شرایط حضور نماینده ویژه پاکستان، حمله‌ای با این گستردگی به خاک افغانستان انجام گیرد. بنابراین احتمالاً پاکستانی‌ها فرصت‌طلبی کرده‌اند و تی‌تی‌پی هم غافلگیر شده است. در این میان این پرسش باقی می‌ماند که چه کسی و یا چه گروهی اطلاعات مربوط به تحریک طالبان پاکستان را در اختیار ارتش این کشور قرار داده است؟

اما تحلیل دوم این است که دولت اسلام‌آباد با انجام این حمله هوایی گسترده، آن هم هم‌زمان با سفر نماینده ویژه‌اش به کابل، خواسته است پیام مهم و روشنی به طالبان و تی‌تی‌پی ارسال کند؛ این پیام که اسلام‌آباد حساب تی‌تی‌پی را از کابل و طالبان جدا کرده است. بر این اساس هم طالبان و هم تحریک طالبان پاکستان باید این تصور که دولت فعلی یکبار دیگر در مسیر دولت عمران خان گام برداشته و اقدام به مذاکره با مخالفان مسلح خواهد کرد، از سر خود بیرون کنند. بنابراین دولت و ارتش پاکستان با فرستادن «محمد صادق» به کابل از یک‌سو عزم این کشور بر تنش‌زدایی در روابط دو جانبه را نشان دادند و از سوی دیگر با انجام حمله هوایی به تی‌تی‌پی، مسیر اصلی این تعامل که همان نابودی تی‌تی‌پی و تحرکات آن در داخل خاک افغانستان است را یادآوری کردند. در عین حال می‌توان به این موضوع یک وجه دیگر هم افزود؛ در صورتی که اجرای این عملیات با همکاری طالبان و یا بخشی از بدنه حکومتی آن انجام شده باشد، آن وقت باید آن را پیامی مشترک از جانب اسلام‌آباد و کابل برای تحریک طالبان پاکستان ارزیابی کرد.

در هر حال هرکدام از این تحلیل‌ها می‌تواند وقوع هم‌زمان این دو رخداد غافلگیرکننده را توضیح دهد. البته این امکان هم وجود دارد که تلفیقی از این دو نیز انجام گرفته باشد، بدین معنا که هم فرصت‌طلبی انجام گرفته باشد و هم زمینه ارسال پیام به طالبان و تی‌تی‌پی فراهم شده باشد.